



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۱۷

اسحق نگار گر

نوروز با اسلام در تخالف و تصادم نیست!

ملت های که اسلام را به عنوان یک دین پذیرفته اند پیش از قبول اسلام برای خود رسم و رواج و عنعنه و فرهنگ داشته اند و بر خورد اسلام با این عنعنه و فرهنگ بسیار ساده و روراست بوده است. با آن عنعنات و رسوم قبیلوی که اصول اعتقادی اسلام را نقض نمی کنند کاری نداشته باشید و از جاهلانی که در این مورد به صورت شکلی و میخانیکی برخورد میکنند اعراض به نمایید. به اساس همین اصل بود که برخی از عنعنه های خجسته روزگار جاهلیت در اسلام ابقا شد و در دربار های پادشاهانی که بعد از استقلال سیاسی در گوشه گوشه جهان اسلام به وجود آمدند روز های تاریخی و عنعنوی را که با اصول اعتقادی اسلام برخورد نمی کرد دوام دادند. شما به من بگویید که کدام یک از شیخان فتوی دهنده امروز به طور مثال مسلمان تر و راسخ العقیده تر از حضرت شیخ شیراز سعدی بوده اند؟ سعدی قصیده های بسیار براننده در وصف نوروز دارد که نه تنها با اصول اعتقادی اسلام در تضاد نیست بلکه آن اصول را به شیوه زیبا و شاعرانه در مغز خواننده جا میدهد. مطلع یکی از آن قصاید این است:

بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار **خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار**

و او در همین قصیده است که معجزات پروردگار را در دوباره زنده گردانیدن طبیعت می بیند و از آن بدین نتیجه زیبای فلسفی می رسد که:

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است **دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار**

بیدل دوباره زنده شدن طبیعت را با گل های زیبا که از خاک می روید در نظر گرفته می گوید:

بهار نامه یاران رفته را ماند **گلی که وا کند آغوش در پرش گیرید**

حالا این بهاری که همانند نامه یاران رفته از دنیا ست برای ما از آن یاران چه پیغام می دهد؟ همان پیغام که حضرت مولانا داده است یعنی:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست **چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟**

به هر صورت یکی از صدها مشکل ما مسلمانان این نیز است که برخی ها با سمبولیزم ژرفی که در دین وجود دارد برخورد شکلی می کنند و کلمات را تنها به همان معنای ظاهری آن می بینند. از دیدگاه فقه برای این که امری را حرام بدانیم یک حکم صریح قرآن به کار است که آنرا منع کرده باشد و یا حدیث صحیح حضرت رسول کریم که تمام شرایط یک حدیث صحیح را دارا باشد یعنی سلسله راویان در آن معلوم و حدیث برخلاف عقل سلیم یا برخلاف حکم قرآن کریم نباشد. با احادیث حسن، ضعیف و مرفوع نمی توان استنتاج فقهی کرد. ابوریحان البیرونی که هیچ کس در مسلمانی او نیز شک ندارد در کتاب معروف آثار الباقیه خود (ص ۳۲۵ - ترجمه اکبر دانا سرشت) می گوید:

"عبدالصمد بن علی در روایتی که به جد خود ابن عباس آنرا می رساند نقل می کند: که در نوروز جامی سیمین که پُر از حلوا (ظاهراً سَمَنک - نگارگر) بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پُرسید که این چیست؟ گفتند: امروز روز نوروز است. پُرسید که نوروز چیست؟ گفتند: عید بزرگ ایرانیان (خطه که امروز به همین نام یاد می شود) است فرمود: آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد پُرسیدند عسکره چیست؟ فرمود: عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کردند و به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت: بمیرید و مُردند و سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که برآنان ببارد از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده است. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرد و گفت: کاش هر روزی برای ما نوروز بود."

در این گفته رسول کریم نیز نوعی سمبولیزم دیده می شود یعنی ما انسان ها همه همان عسکره هستیم که از مرگ می ترسیم و خدا(ج) در نوروز با زنده گردانیدن دوباره طبیعت در دل های ما خورشید امید را می تاباند که اگر

گل و گیاه به زندگانی دوباره می رسند چرا انسان ها نرسند. این که پیامبر(ص) گفت: موتوا قبل ان تموتوا (بمیرید پیش از آنکه مُرده باشید) معنایش همین است که اگر ما پیش از فراز آمدن مرگ مُرده باشیم شیوه بر خورد ما با دیگر انسان ها کاملاً فرق می کند. مثالی برای تان بدهم: اگر مردی بداند که فردا او را اعدام می کنند و همین امشب آخرین شب زندگی او است بر خوردش با دیگر انسان ها و مال دنیا چه گونه خواهد بود؟ آیا او بازم با حرص و افزون طلبی به گردآوردن ثروتی که مال او نیست خواهد پرداخت یا با همه مهربان خواهد شد و خواهد فهمید که شیوه الهاکم التکائر حتی زُرم المقابر(تا وقتی که به قبر های تان می رسید افزون طلبی دارید.) به درد مردان خدا نمی خورد.

و اما درسی که ما باید از نوروز بگیریم همین است که به همان شیوه موتوا قبل ان تموتوا زنگ های کینه، نفرت و دشمنی را از دل های خود به زداییم و شکر گزار باشیم که خدا مدتی دیگر برای ما فرصت زندگی عطا کرده است که انسان باشیم و مانند انسان زندگی کنیم و برای فردا که از ما نمی پرسند: "بگو چه مقدار ثروت آوردی؟" بلکه می پرسند: "بگو به خاطر خدایت چه تعداد دل های بینوا را شاد کردی و با قطع جنگ و خشونت چه اندازه رحمانیت و رحیمیت خدا را در عمل خود نشان دادی؟" این است درسی که از نوروز می توان گرفت. نوروز برای همه هموطنان غم دیده و رنج کشیده مبارک باد! خدا به مردم توفیق بدهد که خود را از بیچیزی و بیچارگی و احتیاج همسایگان دور و نزدیک نجات بدهند که دیگر فرزند افغان مجبور نباشد خطر غرق شدن در دریا های مخوف را بپذیرد. نوروز تان علی رغم زُنگ زُنگ ملا های قشری و ظاهر بین مبارک باد!

با عرض خُرمات روز سه شنبه پانزدهم مارچ ۲۰۱۶ برمنگهم نگارگر